

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری)

جواد فعلی¹، علی گرجی کرسامی²، مهری سیاه‌چشم³

تاریخ دریافت: 96/11/25
تاریخ پذیرش: 97/04/15

از صفحه 29 تا 56

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم،
شماره سوم (پیاپی چهل و سوم)، پاییز 1397

چکیده

مقدمه: یکی از مهم‌ترین مسائل و مباحثی که شهروندان در مناطق شهری به‌ویژه در حاشیه شهرها با آن مواجه هستند، احساس امنیت و سرمایه اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری انجام پذیرفت.

روش: این پژوهش از حیث روش، پیمایشی از نوع همبستگی است. بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان (1970) 384 نفر به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه سرمایه اجتماعی و پرسشنامه امنیت اجتماعی بوده است. روایی پرسشنامه‌ها با کسب نظر کارشناسان حاصل و پایایی حاصل از آلفای کرانباخ نیز برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی برابر با 0/83 و برای پرسشنامه امنیت اجتماعی 0/80 بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی بیشترین تأثیرگذاری و متغیرهای اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی کمترین تأثیرگذاری را دارند.

نتیجه: نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش بیانگر این مطلب است که با افزایش سرمایه اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد. درواقع، اثبات این فرضیه تأییدی بر نظریه پاتنام در زمینه سرمایه اجتماعی و نقش آن در امنیت اجتماعی است. هماهنگی یافته‌های پژوهش حاضر با نظریات گیدنز، جانسون، پاتنام، پارسونز و بوردیو در تبیین نقش تقویت سرمایه اجتماعی بر میزان افزایش احساس امنیت اجتماعی، ضرورت بسترسازی جهت ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی آحاد جامعه را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی، امنیت اجتماعی، محلات حاشیه‌نشین.

1- عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول): javad_feli@yahoo.com

2- کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی پیام نور تهران غرب.

3- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



مقدمه

یکی از مفاهیم بااهمیت و پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی موضوع و مفهوم «امنیت»¹ است (اخوان کاظمی، 1386: 17). امنیت از نیازها و پایه‌های فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان و یا اختلال در آن‌ها پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی دارد (ترابی و گودرزی، 1383: 21). نیاز به امنیت از عمیق‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسان است و به خاطر اهمیت این موضوع است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیش از 30 مورد صریحاً به بیان موضوع امنیت اجتماعی پرداخته است (خوشفر، 1383: 183).

امنیت اجتماعی² پایدار در شرایطی محقق می‌شود که نظام اخلاقی بر روابط اجتماعی افراد حاکم باشد این نظام اخلاقی علاوه بر شبکه‌ها و تشکلهای اجتماعی افقی مشتمل بر اعتماد، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان افراد در حیات اجتماعی هستند (کامران و عبادتی نظولو، 1393: 45). از این‌رو، معادله سنجش امنیت حائز اهمیت است؛ چراکه توانایی سنجش امنیت از جمله لوازم اساسی برای درک امکان تحقق امنیت اجتماعی است و با آگاهی از میزان و کیفیت آن می‌توان ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از چگونگی استقرار امنیت در روابط میان گروه‌های اجتماعی به دست آورد (نویدنی، 1382: 89). در این راستا می‌توان گفت به‌طور کلی اهمیت امنیت تا بدان حد است که اگر امنیت و احساس امنیت میان اعضای جامعه نباشد یا اندک باشد تعاملات و روابط میان افراد جامعه از تنظیم خارج می‌شود و روابط پایدار میان اعضای کمتر برقرار می‌شود (صفری شالی، 1386: 116). در شهرهایی همچون ساری که همواره با افزایش مسافرت‌ها و مهاجرت‌ها، افزایش مداوم قیمت‌ها یا اجاره مسکن، بیکاری و دیگر عوامل اجتماعی مواجه است، شلوغی و افزایش تنوع - تفاوت فرهنگی و قومی در شهر از سویی موجب گردیده تا افزایش انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، طلاق، سرقت، فراوانی انواع مواد مخدر در دسترس جوانان و... از حالت یک پدیده اجتماعی ساده خارج و به شکل یک مشکل و معضل اجتماعی درآید و از سوی دیگر، با افزایش سریع و گسترده وسایل ارتباط‌جمعی و دسترسی نسبتاً آسان اکثر افراد جامعه به آن‌ها و

1- Security

2- Social Security

در نتیجه اطلاع‌یابی از مسائل مربوط به وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های مالی به شهروندان به‌ویژه شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهری و دولت با فراهم آوردن زمینه‌های کاهش احساس امنیت اجتماعی، هزینه‌های روحی و روانی را نیز به شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهری تحمیل می‌نماید.

یکی از فاکتورهای سرمایه اجتماعی اعتماد است؛ هرچقدر اعتماد بین افراد، گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی و سیاسی نسبت به هم در سطح محیط داخل بالاتر و بیشتر باشد و افراد و گروه‌ها بتوانند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های نظام اجتماعی دخیل باشند و روابط بین افراد و نظام‌ها و خرده‌نظام‌ها با نظام کلان، عادلانه و عاقلانه باشد، میزان امنیت اجتماعی بالا می‌رود (تقی‌لو، 1385: 2)؛ بنابراین یکی از عواملی که می‌تواند موجب افزایش امنیت اجتماعی و به تبع آن احساس امنیت اجتماعی و ارتقای مشارکت شهروندان محلات حاشیه‌نشین آنان با پلیس گردد مقوله سرمایه اجتماعی است.

در کنار سرمایه اجتماعی¹ و ویژگی‌های شهر ساری که در بالا ذکر شد، می‌توان حاشیه‌نشینی² در ساری و پیامدهای ناشی از آن را به دید یک آسیب و مسئله اجتماعی نگریست و نباید از نظر دور داشت که علاوه بر جنبه‌های منفی حاشیه‌نشینی در ساختار اجتماعی و ساخت فضایی شهرها، این محیط برای خود حاشیه‌نشینان نیز دارای پیامدهای منفی است. از جمله وجود جرم و بزهکاری در این مناطق، محیط نامناسب از جهت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای کودکان و نوجوانان نوعی ناامنی و عدم تأمین امکانات رفاهی، فرهنگی و امکانات لازم جهت گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان محیطی نامناسب از جهت زندگی برای این افراد به وجود می‌آورد. از آنجایی که حاشیه‌نشینان افرادی هستند که از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند و قادر به جذب در نظام اقتصادی شهر نمی‌باشند، در واقع نه روستایی و نه شهری به حساب می‌آیند و از جهت خصوصیات و ویژگی‌ها متفاوت با شهرنشینان و حتی فقیران شهری می‌باشند (حشمت و همکاران، 1389: 28) که اجرای امنیت اجتماعی در این مناطق را با مشکل مواجه می‌کند.

1- Social capital

2- Marginalization



البته باید توجه داشت امنیت در همه زمینه‌ها بدون مشارکت و همیاری مردم و اقشار مختلف جامعه امکان‌پذیر نیست (تیموری، 1389: 47)؛ بنابراین احساس امنیت موجب اعتماد به نفس شهروندان محلات حاشیه‌نشین شده و نتیجتاً به‌مثابه سرمایه انسانی قادر خواهد بود در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نقش بایسته خود را ایفا نماید. در همین حال احساس امنیت در شهروندان محلات حاشیه‌نشین موجب اعتماد به کارگزاران نظام شده و امکان مشارکت هرچه بیشتر آنان برای کمک به امنیت را فراهم خواهد آورد. متقابلاً کاهش احساس امنیت باعث بی‌اعتمادی، رواج بدبینی، شایعه، عدم مشارکت و همکاری در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشور شده و این روند بستر مناسبی برای آشفتگی اجتماعی خواهد بود (رجبی پور، 1384: 37).

بنابراین، طی چند سال اخیر به‌خصوص طی یک دهه اخیر شهر ساری و شهروندان ساری شاهد انواع آسیب‌های اجتماعی و مخاطرات امنیتی در بعد اجتماعی بوده‌اند که در رسانه‌ها، مطبوعات محلی مازندران و سایت‌های (سراچه‌های) مجازی و در بین شهروندان و خانواده‌های آنان بازتاب گسترده‌ای داشته‌اند که موجب نگرانی و تشویق خاطر آنان شده است و این روند در حال افزایش هم است. از جمله میزان درگیری و نزاع با رشد 28 درصدی نسبت به سال گذشته به 26 هزار پرونده رسیده، سرقت با 6 درصد افزایش نسبت به سال قبل به 26 هزار پرونده، حمل مواد با 15 درصد افزایش به 8 هزار پرونده رسیده است و دو مورد از آسیب‌های مهم اجتماعی استان امنیت و حاشیه‌نشینی است (موسوی، 1396: 1)؛ بنابراین همه موارد ذکرشده باعث شده است تا احساس امنیت و به‌تبع آن برخورداری از امنیت اجتماعی به یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های اصلی شهروندان ساری مطرح گردد که این مسئله اجتماعی منجر به آثار و پیامدهای در بین شهروندان شده است که از جمله این پیامدها می‌توان کاهش اعتماد اجتماعی، گسست و فاصله در روابط و مناسبات اجتماعی در سطوح مختلف، اختلال در انسجام و یگانگی اجتماعی و به‌ویژه منجر به کاهش مشارکت اجتماعی شهروندان در سطوح مختلف شده است. بدین جهت به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌هایی که می‌تواند تا حدودی در کاهش مخاطرات امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین مؤثر باشد، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل سرمایه اجتماعی خواهد

بود؛ بنابراین در این مقاله سعی شده است که سرمایه اجتماعی و رابطه آن با امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق بتوان به توسعه مناطق حاشیه‌ای و کاهش معضلات آن اقدام اساسی نمود. حال با عنایت به آنچه در طرح مسئله بدان پرداخته شد مسئله اصلی تحقیق این است که: رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین شهر ساری چگونه است و چه جهتی دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که در مورد حاشیه‌نشینی و سرمایه اجتماعی صورت گرفته بسیار محدود است که در زیر به تعدادی از آن‌ها پرداخته شده است:

لطفی و همکاران (1393)، در پژوهش خود به «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: کلان‌شهر شیراز)» پرداخته‌اند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت در فضاهای عمومی مناطق کم‌درآمد با میانگین 12/74 بیش از میانگین میزان احساس امنیت کاربران فضاهای عمومی در مناطق متوسط‌نشین (11/56) و مرفه‌نشین (12/42) است.

لطفی و ملازاده گنجی (1392)، پژوهشی با عنوان «ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت زنان (مطالعه موردی: منطقه سه ساری)» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که همبستگی معنادار میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و احساس امنیت بانوان وجود دارد که بیشترین همبستگی بین مؤلفه‌ها، سهم مؤلفه انسجام اجتماعی با مقدار 0/309 است.

بحری‌پور و رستگار خالد (1392)، در پژوهشی نشان دادند که اعتماد اجتماعی شهروندان بر انواع احساس امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است؛ بدین‌صورت که هرچه حجم و میزان اعتماد اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان انواع احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.



محمودی و نیک‌خواه (1391)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز» به بررسی تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت بوده و در مناطق غیرحاشیه‌نشین بیشتر بوده است.

نقدی و زارع (1391)، در پژوهشی نشان دادند که رشد قارچ‌گونه حاشیه‌ها علاوه بر برهم زدن فضای کالبدی شهرها و انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی که با خود به وجود می‌آورد، هرگونه مدیریت شهری را با مسائل مشکلات و بحران‌های زیادی روبه‌رو می‌سازد که یکی از دلایل بروز این مسائل کمبود یا فرسایش سرمایه اجتماعی در این‌گونه محلات است.

قرایی و همکاران (1389)، در پژوهشی نشان می‌دهند که مردم در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آن‌ها محله‌های پایین‌شهر، حاشیه ساختمان‌های نیمه‌کاره و کوچه‌های خلوت و تاریک را، فضاهایی با امنیت کم ارزیابی می‌کنند. این حس عدم امنیت، در خیابان‌های شلوغ و مملو از جمعیت کاهش می‌یابد.

جکسون¹ (2006)، در مطالعه‌ای با عنوان «امنیت اجتماعی و پایبندی به قواعد غیررسمی» می‌گوید ارزیابی‌ها از آسیب‌پذیری و تصور مخاطره‌های به‌وضوح در چگونگی فهم مردم از محیط فیزیکی و اجتماعی شدنشان قرار دارد؛ زیرا سبب نقض اعتمادی می‌شوند که انتظارات منفی را پنهان نگه می‌دارند و به احساس ناامنی می‌انجامند.

آدامز و دیگران² (2005)، در مطالعه پنج شهر کوچک در کالیفرنیا شمالی دریافتند که شهروندانی که آگاهی بیشتری از اجرای برنامه‌های «پلیس جامعه‌محور» داشتند در مقایسه با آن‌هایی که آگاهی کمتری از این برنامه‌ها داشتند، نگرش مثبتی به فعالیت‌های پلیس داشته، در بیشتر برنامه‌های محافظت از خود شرکت کرده و ترس کمتری از جرم و احساس یکپارچگی بیشتری با اجتماع داشتند. (ربانی و افشار کهن، 1383:51).

1- jacsoon

2- Adams and others

شاید و دیگران¹ (2003)، در مطالعه‌ای که با استفاده از داده‌های پیمایشی در 12 شهر انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که تعامل بین ساکنان اجتماع می‌تواند از طریق افزایش آگاهی ساکنان با روش‌های خاص پلیس و ایجاد و بسط روابط فردی، رضایتمندی از پلیس را افزایش دهد. حضور پلیس تأثیر زیادی بر رضایتمندی شهروندان داشت. باین‌حال، این امر تأثیر معناداری بر کاهش «ترس از جرم» شهروندان نداشت (ربانی و افشار کهن، 1383: 52).

ویلیامز و پیت² (2003)، به ارزیابی سه برنامه‌ای پرداختند که هدفشان مشارکت ساکنان در امور اجتماع و ایجاد روابط نزدیک بین مردم و پلیس در راستای کاهش احساس ناامنی در نیویورک و نیوجرسی بود. در این برنامه‌ها، روزنامه‌هایی و پیشگیری از جرم و آگاهی آنان از سطوح جرم، روش‌های مؤثر برای جلوگیری و پیشگیری از جرم و آگاهی از فعالیت‌های پلیس محل پخش شده بود و در مجموع، پلیس و ساکنان برای کاهش وضعیت فیزیکی نامناسب همسایگی با همدیگر همکاری کرده بودند. این برنامه‌ها منجر به کاهش چشمگیر در طرز تلقی افراد نسبت به مسائل و مشکلات بی‌نظمی اجتماع و نگرانی آن‌ها از جرائم اموال و بهبود رضایتمندی شهروندان از پلیس شده بود. بروان و وایکاف نیز نتایج مشابهی را گزارش داده‌اند (ربانی و افشار کهن، 1383: 52).

نعیمی و همکاران (1396)، پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در شهر مرزی مریوان» انجام داده‌اند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل (اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد تعمیم‌یافته) بر احساس امنیت معنادار است و همچنین، در رگرسیون خطی چند متغیره نتایج نشان داد که اعتماد به کنشگران سیاسی (با ضریب $0/167$ (Beta) بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر وابسته احساس امنیت دارد. اعتماد تعمیم‌یافته با ضریب $0/136$ در مرتبه بعدی تأثیرگذاری قرار دارند و اعتماد شخصی با توجه به سطح معناداری هر دو آن‌ها به ترتیب $0/004$ و $0/028$ رابطه معناداری وجود دارد. اعتماد شخصی با توجه به سطح معناداری آن $0/116$ رابطه معناداری با احساس امنیت ندارد. درنهایت، اعتماد اجتماعی و احساس

1- Shayder and others

2- Williams and Pete



امنیت با ضریب همبستگی 0/177 و سطح معناداری 0/002 رابطه معناداری دارند.

سهرابزاده و همکاران (1396)، پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تبریز» انجام داده‌اند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی بین سرمایه اجتماعی در تمامی شاخص‌های چهارگانه (حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با احساس امنیت اجتماعی زنان به تأیید رسید. همچنین، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای مستقل باقی‌مانده در مدل رگرسیونی توانسته‌اند 40 درصد از تغییرات متغیر وابسته امنیت اجتماعی را تبیین نمایند. در این میان، متغیر حمایت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است.

عبدالحمیدی و همکاران (1395)، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: شهروندان 18 سال به بالای شهر تهران)» انجام داده‌اند که نتایج پژوهش حاکی از آن است که احساس امنیت اجتماعی تحت تأثیر بعد اعتقادی دین‌داری، بعد مناسکی دین‌داری، بعد پیامدی دین‌داری، بعد تجربی دین‌داری، گرایش به هویت ملی، استفاده از رسانه‌های داخلی، اعتماد اجتماعی، استفاده از رسانه‌های خارجی و مشارکت اجتماعی قرار دارد.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، اکثر مطالعاتی که پیرامون رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی انجام شده‌اند، به مناطق حاشیه‌ای توجه نداشته‌اند و فقط تعداد محدود مطالعاتی که بدان اشاره شده است، به بررسی و مطالعه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شهر ساری پرداخته است. همچنین هیچ‌کدام از تحقیقات به مسئله احساس امنیت محلات حاشیه شهر ساری نپرداخته‌اند؛ لذا در این پژوهش بررسی نقش سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در احساس امنیت محلات حاشیه شهر ساری مهم‌ترین هدف پژوهش است.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی: پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می‌دهد (ملاحسنی، 1381: 76).

امنیت اجتماعی: امنیت در لغت به معنی نداشتن دلهره و دغدغه است. از نظر ماهوی، امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است و از نظر هستی‌شناختی، ایمن بودن یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طول عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند (گیدنز¹، 1377: 72).

به اعتقاد گیدنز، اعتماد نوعی پدیده عام و حیاتی در توسعه شخصیت است. اعتماد در جلوه‌های عمومی خود، به‌طور مستقیم با دستیابی به نوعی احساس امنیت وجودی مرتبط است. وی استدلال می‌کند که مخاطره و اعتماد درهم‌تنیده‌اند و اعتماد معمولاً در خدمت تقلیل یا تخفیف خطرهایی کار می‌کند که انواع خاصی از فعالیت‌های بشری با آن روبرو است. به عبارت دیگر، تمایل به اعتماد در ارتباط با موقعیت‌های خاص اشخاص یا نظام‌ها و حتی در سطحی وسیع‌تر، مستقیماً با امنیت روانی افراد و گروه‌ها مرتبط است (نویدنیاز، 1382: 35). وی معتقد است که دستیابی به اعتماد از مسیر صداقت در کنش‌های متداوم می‌گذرد. بدون تردید اعتماد به دیگران نیاز روانی هر انسان است که با نوعی عاطفه روانی در محیط آشنای اجتماعی و مادی با نمایان ساختن محبت و سعه‌صدر تلفیق می‌شود (گیدنز، 1377: 114). وجود صمیمیت در روابط با افراد دلسوز و پشتیبان، زجر و ناکامی را کاهش می‌دهند و با زمینه‌سازی جهت سهیم شدن افراد در عواطف و تجربیات دیگران مفاهمه را مهیا می‌سازد؛ زیرا همکاری صمیمانه تعهد را به وجود می‌آورد و در نقطه مقابل عدم وجود روابط صمیمانه کشمکی متداوم و موج‌های ویران‌کننده ایجاد می‌کند (نویدنیاز، 1382: 37) که

1- Giddens



این گونه رفتارها عامل کاهش امنیت در جامعه است.

کلمن¹ بر این باور است بدون تردید سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های خود بر امنیت اجتماعی مؤثر است و تصور وضعیت امن اجتماعی در قالب شبکه‌های مترکم تعاملات اجتماعی به‌مثابه نوعی سرمایه است. کلمن با اشاره به اهمیت قواعد هنجاری و حضور آن به‌عنوان عنصر ممنوع کننده در داخل شبکه‌های اجتماعی در برابر انحرافات اجتماعی، فراهم ساختن این امکان را در جهت امنیت پروری در سطوح شبکه‌ای مورد توجه قرار داده است (کلمن، 1988: 97). وی معتقد است حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به‌مثابه علت یا متغیر مستقل، موجب تأمین امنیت اجتماعی به‌عنوان معلول یا متغیر وابسته می‌شود؛ زیرا سرمایه اجتماعی به‌مثابه قواعد راهنمای عمل در متن‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی، هرچند خود از مجرای رفتار متقابل افراد در طول زمان شکل گرفته و تکوین می‌یابد، لکن در جایگاه نهاد مستقر اجتماعی به‌صورت یک علت به بروز رفتارهایی خاص مطابق با متن‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌انجامد. چنانکه افراد در صورت قرار گرفتن در چنین متن‌ها و موقعیت‌هایی، لاجرم واکنش‌هایی متناسب با آن از خود نشان می‌دهند. بدین ترتیب می‌توان گفت، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک علت، بروز رفتارهای هنجارمند را به‌عنوان معلول ایجاب می‌کند و هنگامی که هنجاری وجود دارد و مؤثر هم هست تشکیل‌شکلی نیرومند - اگرچه گاهی هم آسیب‌پذیر - از سرمایه اجتماعی را می‌دهد. هنجاری نافذی که مانع جرم و جنایت باشند این امکان را به وجود می‌آورند که اشخاص در یک شهر در ساعات شب با فراغ خاطر از خانه خارج شوند و افراد سالمند بی‌آنکه بیمی از بابت ایمنی خود داشته باشند از منزل خود بیرون روند (کلمن، 1384: 62). بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی به‌تبع جلوگیری از وقوع جرم، جنایت و ناهنجاری، موجب زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی می‌شود. جاکوب² (1961) نیز تأثیر سرمایه اجتماعی را علاوه بر کاستن از جرم و جنایت در بهبود کیفیت زندگی مورد بررسی قرار داده است. بوردیو معتقد است نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت اجتماعی، چه از جهت جلوگیری از بروز ناهنجاری و یا به‌تبع و در کنار آن از جهت زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد

1-Coleman

2- Jacobs

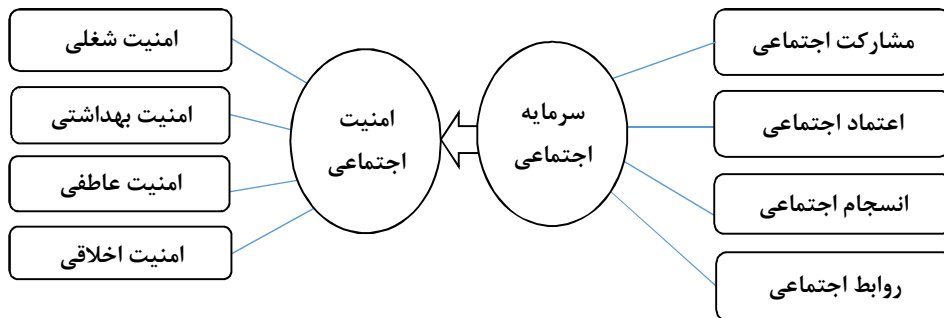
در زندگی اجتماعی، اساساً از مجرای تأثیرگذاری ارزش‌ها، هنجارها، عرف و سنت‌های اجتماعی در جامعه‌پذیر سازی افراد اعمال می‌شود. چنانچه، بر این اساس پی‌یر بوردیو جامعه‌پذیری را ملازم همیشگی سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در اجتماع در نظر می‌گیرد و آن را زنجیره پیوسته‌ای از مبادلات توصیف می‌کند که در قالب آن شناخت به‌صورت پایان‌ناپذیری تصدیق و باز تصدیق می‌شود (بوردیو، 1384: 151). اسکار¹ می‌گوید نقش هنجارها علاوه بر اعمال نفوذ و کنترل بر افراد در فرآیند جامعه‌پذیری، ایجاد عنصر اعتماد در روابط متقابل افراد در اجتماع و به‌تبع آن تقویت قاعده‌مندی رفتاری و انتظام در روابط اجتماعی است. بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی به صورتی همزمان در سطح فردی زمینه‌ساز معنا برای زندگی اجتماعی فرد و موجب مشارکت مثبت و فعال او در زندگی اجتماعی می‌شود و در سطح جمعی به قاعده‌مندی و نظام اجتماعی می‌انجامد. این قاعده‌مندی و انتظام خود را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز نشان می‌دهد (اسکار، 1995: 371). بر این اساس، امنیت اجتماعی چه از منظر فردی و چه از منظر جمعی به‌صورت معلول سرمایه اجتماعی نمود پیدا می‌کند. از این‌رو، ضریب امنیت اجتماعی متغیری از استقرار و قوام سرمایه اجتماعی خواهد بود. هنجارها، ارزش‌ها، عرف و سنت‌هایی که در یک بستر اجتماعی در طول زمان از مجرای رفتار متقابل افراد شکل گرفته و تکوین می‌یابند در مقایسه با نهادها و قانون‌های رسمی و تأسیسی، نقش اساسی‌تر در جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی ایفاء می‌کنند؛ زیرا در مقایسه با عامل اجبار بر پایه عامل اعتماد متقابل جمعی عمل می‌کنند. سرمایه اجتماعی که بدین ترتیب شکل می‌گیرد، در مقایسه با نهادها، رسمی، نیروهای قضایی و پلیس که به شیوه اقتدارآمیز و مبتنی بر اجبار عمل می‌کنند، به شیوه‌های غیررسمی و غیراقتدارآمیز منجر به تأمین امنیت اجتماعی می‌شود (تاج‌بخش، 1392: 11). نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی در مورد تفاوت مناطق از نظر وجود سرمایه اجتماعی به مطالعات گوناگونی پرداخته‌اند و با وجود نوع مناطق، علت‌های مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند. فوکویاما در کارهای خود در مورد سرمایه اجتماعی به تفاوت مناطق مختلف از نظر سرمایه اجتماعی پرداخته و معتقد است که مناطق حومه‌ای و حاشیه‌ای از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند و نمود این کاهش

1- Oscar



را میزان مشکلات و آسیب‌های اجتماعی می‌داند که در مناطق حاشیه‌نشین بیش‌تر است (رضویان و آقایی، 1393: 47). پاتنام نیز در بررسی‌های خود به تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ سرمایه اجتماعی پرداخته و با ذکر دلایل معتقد است که مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ اعتماد، مشارکت و هنجار نسبت به مناطق غیرحاشیه‌ای تفاوت اساسی می‌پذیرد (علی‌خواه و همکاران، 1386: 115). اوفه وفوش نیز در مقالات خود بر اساس دیدگاه بوم‌شناسی انسانی به محله‌ها و شهرهای مختلف و تفاوت سرمایه اجتماعی در این مناطق پرداخته است. (رضویان و آقایی، 1393: 47). اوفه وفوش به تفاوت میان انجمن‌ها اشاره کرد و انجمن‌هایی از نوع دومین و عضویت در آن‌ها را نشانه و مولد سرمایه اجتماعی می‌دانند. آن‌ها ضمن استدلال‌هایی معتقدند که در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر انجمن‌های از نوع اولیه وجود داشته و در شهرهای بزرگ نیز انجمن‌هایی از نوع سومین وجود دارد، تنها در شهرهای متوسط و کوچک انجمن‌های دومین وجود دارد؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌کنند که در مناطق حاشیه‌ای و شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای متوسط و کوچک از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند (حشمت و همکاران، 1389: 35).

با عنایت به ادبیات موضوع مدل به‌عنوان مدل نظری مقاله ارائه شده است:



شکل 1: نحوه رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری

روش‌شناسی

روش تحقیق از حیث روش، پیمایشی و از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را با مراجعه به گزارش آماری 1396 معاونت برنامه‌ریزی و شهرسازی مناطق شهرداری ساری، 133046 نفر از شهروندان بالای 15 سال محلات حاشیه‌نشین شهر ساری تشکیل داده‌اند. بر اساس جدول نمونه‌گیری استاندارد کرجسی و مورگان (1970) 384 نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای دسترسی به نمونه در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. بدین‌صورت که ابتدا شهر ساری را با توجه مناطق شهری شهرداری ساری به سه منطقه شهری منطقه یک، منطقه دو و منطقه سه تقسیم نموده و سپس محلات حاشیه‌نشین را که شامل محلات «هولا» و «ذغال چال» را از منطقه یک شهری، منطقه 22 بهمن و ترک محله را از منطقه دو شهری و محلات کوی شهید غفاری و کوی شهید چمران را از منطقه سه شهری انتخاب نموده‌ایم. سپس به محلات حاشیه‌نشین انتخاب‌شده مراجعه نموده و نمونه‌ها را انتخاب و پرسشنامه را در بین آن اجرا و جمع‌آوری نموده‌ایم. ابزار گردآوری داده موردنظر در پژوهش، دو پرسشنامه سرمایه اجتماعی و پرسشنامه امنیت اجتماعی بوده است. روایی پرسشنامه‌ها با کسب نظر کارشناسان حاصل و پایایی حاصل از آلفای کرونباخ نیز برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی برابر با 0/83 و برای پرسشنامه امنیت اجتماعی 0/80 بوده است. به‌منظور آزمون فرضیات تحقیق با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و همچنین رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از پرسشنامه به دو صورت: الف- توصیفی ب- استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در زیر آمده است:

الف- یافته‌های توصیفی: در این قسمت به توصیف تعدادی از متغیرهای تحقیق شامل جنس، تأهل، سن، تحصیلات، درآمد، احساس امنیت و ابعاد آن، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن پرداخته‌ایم.



1- متغیرهای زمینه‌ای؛ همان‌گونه که داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد 45/3 درصد از شهروندان محلات حاشیه‌نشین مورد بررسی مرد و 54/7 درصد زنان بوده‌اند. نتیجه آن‌که بیشترین افراد، یعنی 54/7 درصد پاسخگویان زن در محلات حاشیه‌نشین شهر سکونت داشته‌اند.

همچنین 42/7 درصد از شهروندان محلات حاشیه‌نشین متأهل و 57/3 درصد مجرد بوده‌اند. 4/2 درصد از شهروندان محلات حاشیه‌نشین مورد بررسی دارای سن کمتر از 20 سال، 71/1 درصد دارای سن 21 تا 30 سال، 13 درصد دارای سن 31 تا 40 سال، 8/1 درصد دارای سن 41 تا 50 سال و 3/6 درصد دارای سن 50 سال و بیشتر بوده‌اند. از نظر تحصیلات؛ 6/5 درصد از شهروندان محلات حاشیه‌نشین مورد بررسی بی‌سواد، 4/2 درصد پنجم، 10/7 درصد سیکل، 57/6 دیپلمه، 8/9 درصد دارای سطح تحصیلات فوق‌دیپلم، 10/9 درصد دارای سطح تحصیلات لیسانس، 1/3 درصد دارای سطح تحصیلات فوق‌لیسانس بوده‌اند و از نظر درآمد، 24/2 درصد از شهروندان محلات حاشیه‌نشین دارای درآمد کمتر از 500 هزار تومان، 73/7 درصد 501 تا 1 میلیون تومان، 2/1 درصد 1/1 تا 1/500 تومان بوده‌اند.

جدول 1: توصیف پاسخگویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای		مرد		زن		جمع	
جنس		فرآوانی	174	210	384	درصد	45/3
تأهل		مجرد		متأهل		جمع	
تأهل		فرآوانی	164	220	384	درصد	57/3
سن		کمتر از 20 سال		20 تا 30 سال		31 تا 40 سال	
سن		فرآوانی	16	273	50	31	14
		درصد	4/2	71/1	13	8/1	3/6
تحصیلات		بی‌سواد		پنجم		سیکل	
تحصیلات		فرآوانی	25	16	41	221	34
		درصد	6/5	4/2	10/7	57/6	8/9
درآمد		کمتر از 500 هزار تومان		501 تا 1 میلیون تومان		1/1 تا 1/500 میلیون تومان	
درآمد		فرآوانی	93	283	8	0	0
		درصد	24/2	73/7	1/2	0	0

2- همان‌طور که در جدول شماره (2) مشاهده می‌کنید، برای سنجش ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی از 31 سؤال و از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است؛ برای سنجش مشارکت اجتماعی از 9 گویه استفاده شده که میانگین نمره پاسخگویان 16/34، میانگین بعد اعتماد اجتماعی با 9 گویه 19/27، میانگین بعد انسجام اجتماعی با 8 گویه 24/45 و میانگین بعد روابط اجتماعی با 6 گویه برابر با 14/70 است. همچنین میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان برابر با 74/82 است.



جدول 2: آماره‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین شهر ساری

ردیف	متغیر	تعداد	میانگین	پایین‌ترین امتیاز	بالا‌ترین امتیاز
1	مشارکت اجتماعی	384	16/34	10	32
2	اعتماد اجتماعی	384	19/27	11	35
3	انسجام اجتماعی	384	24/45	13	31
4	روابط اجتماعی	384	14/70	8	28
5	سرمایه اجتماعی	384	74/82	45	141

3- همان‌طور که در جدول شماره (3) مشاهده می‌کنید، برای سنجش ابعاد متغیر امنیت اجتماعی از 20 سؤال و از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است؛ هر کدام از ابعاد با پنج گویه سنجیده شده است که میانگین بعد امنیت بهداشتی 12/92، بعد امنیت شغلی 19/80، بعد امنیت عاطفی 10/50، بعد امنیت اخلاقی 8/28 است که احساس امنیت اخلاقی در پایین‌ترین سطح نسبت به دیگر ابعاد است. همچنین میانگین بعد امنیت اجتماعی 47/20 است.

جدول 3: آماره‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین شهر ساری

ردیف	متغیر	تعداد	میانگین	پایین‌ترین امتیاز	بالا‌ترین امتیاز
1	امنیت بهداشتی	384	12/92	9	22
2	امنیت شغلی	384	19/80	11	25
3	امنیت عاطفی	384	10/50	8	19
4	امنیت اخلاقی	384	8/28	5	21
5	امنیت اجتماعی	384	47/20	35	83

ب- یافته‌های استنباطی: با توجه به اینکه داده‌ها نرمال و در سطح فاصله‌ای - نسبی بودند برای بررسی سؤالات تحقیق از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده که نتایج آن در زیر آمده است:

جدول 4: خلاصه مدل (ضریب تعیین)

R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
0/793	0/629	0/625	0/32286

جدول 5: مقدار آزمون آنوا

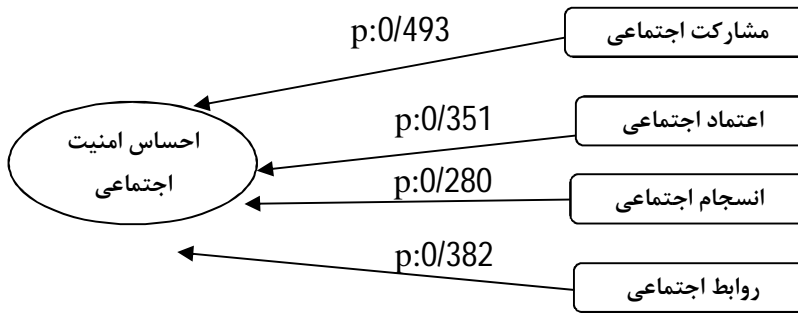
ANOVA					
	Sum of Square	Df	Mean Square	F	Sig
Regression	66/984	4	16/746	160/654	0/000
Residual	39/506	379	0/104		
Total	106/490	383			

جدول 6: رگرسیون چند متغیره به روش همزمان

نام متغیر مستقل	مقدار B	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری (sig)	مقدار R	R2
مشارکت اجتماعی	0/102	0/493	0/000		
اعتماد اجتماعی	0/255	0/351	0/000	0/793	0/629
روابط اجتماعی	0/252	0/382	0/000		
انسجام اجتماعی	0/237	0/280	0/000		

بر اساس جدول بالا تأثیر متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی بر امنیت اجتماعی شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری معنادار شده است. با توجه به بتای جدول، مشارکت اجتماعی با 0/493، بیشترین تأثیر را بر امنیت دارد. به طوری که با یک واحد تغییر در مشارکت اجتماعی 0/493 تغییر در امنیت اجتماعی به وجود می‌آید. روابط اجتماعی با 0/382، از لحاظ تأثیر بر امنیت در جایگاه دوم دارد. به طوری که با یک واحد تغییر در روابط اجتماعی 0/382 تغییر در امنیت اجتماعی به وجود می‌آید. اعتماد اجتماعی با 0/351، از لحاظ تأثیر بر امنیت در جایگاه سوم دارد. به طوری که با یک واحد تغییر در اعتماد اجتماعی 0/351 تغییر در امنیت اجتماعی به وجود می‌آید. همچنین متغیر انسجام اجتماعی با 0/280، از لحاظ تأثیر بر امنیت در جایگاه چهارم دارد. به طوری که با یک واحد تغییر در انسجام اجتماعی 0/280 تغییر در امنیت اجتماعی به وجود می‌آید.

همچنین مقدار R2 نشان می‌دهد که 63 درصد تغییرات متغیر وابسته امنیت اجتماعی از چهارمتغیر، متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی است و 37 درصد تغییرات متغیر وابسته امنیت اجتماعی شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری ناشی از عواملی است که برای ما ناشناخته است.



شکل 2: ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

بحث و نتیجه‌گیری

بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری صورت گرفته است. فرضیه اصلی پژوهش این بود که بین سرمایه اجتماعی و همچنین بین مؤلفه‌های چهارگانه سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی) و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری رابطه وجود دارد.

نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یکی (مشارکت اجتماعی)، (اعتماد اجتماعی)، (انسجام اجتماعی)، (روابط اجتماعی) دیگری (امنیت اجتماعی) افزایش می‌یابد و با کاهش یکی (مشارکت اجتماعی)، (اعتماد اجتماعی)، (انسجام اجتماعی)، (روابط اجتماعی) دیگری (امنیت اجتماعی) کاهش می‌یابد.

همچنین در مجموع نتیجه پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یکی (سرمایه اجتماعی) دیگری (امنیت اجتماعی) افزایش می‌یابد و با کاهش یکی (سرمایه اجتماعی) دیگری (امنیت اجتماعی) کاهش می‌یابد.

لذا نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در زیر همخوانی دارد که نتیجه پژوهش حاضر در مقایسه با یافته‌های تحقیقات انجام‌شده در داخل کشور مانند

یافته‌های شرافتی‌پور (1386)، جعفری (1386)، ردادی (1387)، ذاکری‌هامانه، افشانی، عسکری‌ندوشن (1390)، تاجبخش، جوانمرد، طرفی (1391)، بحری‌پور، رستگار خالد (1392)، پیلتن، برومند (1393)، هزارجریبی و حامد (1390)، لطفی، ملازاده گنجی (1392)، هزارجریبی و دیگران (1386) همسو و هماهنگ است. همچنین نتیجه پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیقات انجام‌شده در خارج از کشور مانند یافته‌های مطالعات پاتنام (1380) دورکیم (به نقل از تقی‌لو، 1380)، فوکویاما (1379)، کلمن (1380)، سامپسونی و اندنبوش (1997)، آدامز و دیگران (2005)، آدامز و همکارانش (1383)، گیدنز (1384)، کلاس افه (به نقل از عبداللهی، 1385) همسو و هماهنگ است؛ بنابراین در مجموع یافته‌های پژوهش‌های ذکر شده در بالا مبین این نکته هستند که بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد که نتیجه پژوهش حاضر هم مبین این نکته بوده است.

همچنین نتیجه حاصل از رگرسیون چند متغیره به روش همزمان نشان داده است که متغیرهای مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی بیشترین تأثیرگذاری و متغیرهای اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی کمترین تأثیرگذاری را دارند.

حاشیه‌نشینی را می‌توان یک نوع محرومیت خواند. آنچه محرومیت‌ها را به وجود می‌آورد و موجب رشد روزافزون آن می‌شود، فراموش کردن اقشار ضعیف در برنامه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ضعف مدیریت در تشخیص درست، به هنگام و ارائه راه‌حل مناسب و سودبخش برای آحاد جامعه است. این پدیده یک مسئله‌ای اجتماعی است و برای درک آن باید دیدگاهی جامع‌نگر داشت. حاشیه‌نشینی یک معضل کلان‌شهری است که نشان‌دهنده ضعف در ساختار اجتماعی و فضاهای زندگی غیررسمی و نامتعارف شهری، بازتاب فضای بیمارگونه اقتصاد، مدیرتی شهری ضعیف، ناکارآمدی برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای و بی‌عدالتی‌های اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی، استانی و محلی است.

حاشیه‌نشینی در واقع حاصل و برون‌داد مشکلات اجتماعی و ساختاری است که عمدتاً بر اثر جریان سریع مهاجرت از شهرها به روستاها اتفاق می‌افتد. این پدیده اجتماعی، در کشورهای در حال توسعه پررنگ‌تر است و در فرآیند مدیریت شهری تأثیرات منفی بیشتری دارد. حاشیه‌نشینی فضایی مولود حاشیه‌نشینی اقتصادی و اجتماعی آن بخشی از جمعیت است که ساکن این محله‌هاست. آن‌ها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی



پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات راضی نیستند. با توجه به گسترش فقر و بیکاری، حاشیه‌نشینان بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی‌اند. مناطق و محلات حاشیه‌نشینی علیرغم اینکه هر یک ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند، در برخی خصوصیات از جمله فقر، رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی گسترده وضعیت مشابهی دارند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مسائل و مباحثی که شهروندان در مناطق شهری به‌ویژه در حاشیه شهرها با آن مواجه هستند مسئله امنیت اجتماعی و به تبع احساس امنیت است.

امنیت به‌عنوان نیازی اساسی، در اجتماعات انسانی از جایگاه خاصی برخوردار است. برنامه‌ریزان و طراحان فضاهای اجتماعی، به‌ویژه شهرها، تلاش می‌کنند تا با شناسایی عوامل تهدیدکننده امنیت به‌ویژه در فضاهای عمومی، امنیت را برای استفاده‌کنندگان از آن فضاها فراهم کنند.

اگرچه امنیت مسئله مهمی است، اما بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان این حوزه احساس امنیت را مهم‌تر و ضروری‌تر از وجود امنیت توصیف می‌کنند و معتقدند در جوامع مختلف عوامل بسیاری در فقدان یا کمبود این احساس دخیل هستند. همچنین، بسیاری از دانشمندان معتقدند که امنیت پدیده‌ای احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدیدکننده جرم برمی‌گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی میزان عوامل تهدیدکننده مطابقت نداشته باشد. یا برعکس، متناسب با میزان و اثر عوامل تهدیدکننده میزان احساس ناامنی فرد نیز در نوسان باشد؛ بنابراین نمی‌توان بیان کرد در جامعه‌ای که امنیت وجود دارد حتماً احساس امنیت نیز وجود دارد، چراکه احساس امنیت از موارد دیگری همانند ذهنیت مردم از جامعه مورد مطالعه نشأت می‌گیرد. بدون وجود امنیت امکان توسعه در هیچ زمینه‌ای وجود نخواهد داشت. در واقع زمانی استعدادهای متنوع و متکثر افراد جامعه می‌تواند به فعلیت برسد که امنیت در آن وجود داشته باشد. بدون وجود امنیت امکان توسعه در هیچ زمینه‌ای وجود نخواهد داشت. در واقع، زمانی استعدادهای متنوع و متکثر افراد جامعه می‌تواند به فعلیت برسد که امنیت در آن وجود داشته باشد. انسان ایمن سرشار از انگیزه برای پیشرفت است. امنیت شهروندان در جامعه شهری منافع اجتماعی و اقتصادی زیادی را در پی خواهد داشت. احساس امنیت در شهروندان می‌تواند در

ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و مشارکتی بهتر را در صحنه اجتماع به وجود آورد. انسان ایمن سرشار از انگیزه برای پیشرفت است. امنیت شهروندان در جامعه شهری منافع اجتماعی و اقتصادی زیادی را در پی خواهد داشت. احساس امنیت در شهروندان می‌تواند در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و مشارکتی بهتر را در صحنه اجتماع به وجود آورد.

نتایج به دست آمده از پژوهش بیانگر این مطلب است که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد چهارگانه آن (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی) و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری رابطه معنادار وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد و متقابلاً با کاهش سرمایه اجتماعی احساس امنیت نیز کاهش می‌یابد. در واقع اثبات این فرضیه مهر تأییدی بر نظریه پاتنام در زمینه سرمایه اجتماعی و نقش آن در امنیت اجتماعی است. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد که این منفعت در جهت تأمین اجتماعی نیز می‌تواند افزایش یابد. همچنین پاتنام معتقد است از ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی این است که پیوند ارتباطی میان افراد را تقویت می‌کند و این پیوندها موجب ارتقای همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود و همکاری جمعی، اعتماد اجتماعی و قابلیت مدنی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. نتیجه این وضعیت فائق آمدن بر گسیختگی اجتماعی است. پس از نظر پاتنام افرادی که از سرمایه اجتماعی در جامعه برخوردارند می‌توانند از نظر روانی احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران داشته باشند (پاتنام، 1380).

بنابراین در نهایت این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی افراد مؤثر واقع شود تا برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی و سایر نهادهای مربوطه با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده و با تقویت شاخص‌های عمده سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، انسجام، روابط و مشارکت اجتماعی در ارتقای احساس امنیت گام بردارند. هرچه اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه بیش‌تر باشد، احساس امنیت نیز ارتقاء خواهد یافت؛ بنابراین تقویت فرهنگ اعتماد که ریشه در منابع فردی و ساختاری



(جامعه‌ای) دارد. در ارتقاء امنیت مؤثر است. در این زمینه جهت بسترسازی برای اعتماد و به تبع آن افزایش احساس امنیت، معماران فرهنگی و برنامه‌ریزان اجتماعی با تقویت پایه‌های اعتماد بنیادین در بین افراد جامعه می‌توانند اعتماد عام را در بین مردم و هم در بین نهادهای دولتی افزایش داده و از این طریق احساس امنیت را نیز تقویت کنند. از سوی دیگر، نظارت بر تعاملات روزمره و کنترل آن‌ها توسط نیروی انتظامی به منظور کاهش آسیب‌پذیری روابط اجتماعی نقش مؤثری در بالا بردن اعتماد اجتماعی دارد.

با عنایت به یافته‌ها و نتایج به دست آمده، پیشنهادهای این پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با عنایت به اینکه مشارکت اجتماعی بر امنیت اجتماعی تأثیر معناداری دارد، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و پتانسیل و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن زمینه و بستری فراهم نمایند که شهروندان در حل معضلات موجود در سطح محله مشارکت بیشتری داشته باشند، به یکدیگر در جهت امور شهری کمک نمایند و در کارهای جمعی و گروهی در سطح محله مشارکت نمایند و هرچه بیشتر در انجمن‌ها و NGO ها شرکت کنند که این امر موجب افزایش مشارکت اجتماعی در بین شهروندان خواهد شد که هرچه مشارکت اجتماعی آنان بیشتر باشد، موجب افزایش مشارکت اجتماعی و به تبع آن امنیت اجتماعی در بین شهروندان خواهد شد.

- با عنایت به اینکه اعتماد اجتماعی بر امنیت اجتماعی تأثیر معناداری دارد، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌شود زمینه و بستری فراهم نمایند که مسئولان دولتی در ارائه خدمات به شهروندان کمتر به بحث رابطه و پارتی‌بازی توجه داشته باشند و مسئولان به جای رسیدگی به امورات افراد مرفه شهر بیشتر به مسائل و مشکلات همه اقشار توجه داشته باشند و یا لاقط عدالت اجتماعی در ارائه خدمات به شهروندان را رعایت نمایند که این موجب افزایش اعتماد اجتماعی و به تبع آن امنیت اجتماعی در بین شهروندان خواهد شد و برعکس.

- با عنایت به اینکه انسجام اجتماعی بر امنیت اجتماعی تأثیر معناداری دارد، بنابراین به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و پتانسیل و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن زمینه و بستری فراهم نمایند که شهروندان به نظرات همدیگر اهمیت دهند و به قول و قرارهایی که به همدیگر می‌دهند پایبندی داشته باشند، در مواقع مشکلات و سختی‌ها ظرفیت خود را در تحمل یکدیگر افزایش دهند و به‌جای افزایش تنش و مشکلات به فکر دست‌گیری و یاری‌رساندن و کمک در جهت حل مشکلات باشند. احترام بزرگ‌تر و کوچک‌ترها را در تعاملات و مراودات اجتماعی نگه داشته باشند و بیشتر به فکر یکدیگر باشند و سعی نمایند به‌جای غیبت و تخریب یکدیگر بیشتر خوبی‌ها و حسنات یکدیگر را ببینند که درنهایت این امر موجب افزایش انسجام اجتماعی و به‌تبع آن امنیت اجتماعی در بین آنان خواهد شد و برعکس با کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی میزان امنیت اجتماعی در بین شهروندان کاهش خواهد یافت.

- با عنایت به اینکه روابط اجتماعی بر امنیت اجتماعی تأثیر معناداری دارد، به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و پتانسیل و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن زمینه و بستری فراهم نمایند که شهروندان بتوانند با محیط فیزیکی محل سکونت خود ارتباط برقرار کنند، با یکدیگر به مکان‌های تفریحی بروند و با دیگران در سطح شهر برخورد دوستانه داشته باشند که این امر موجب افزایش روابط و تعاملات اجتماعی و به‌تبع آن امنیت اجتماعی در بین شهروندان خواهد شد.



منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (1386). «امنیت و ابعاد آن در قرآن». فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره 75، صص 39-11.
- بحری پور، عباس؛ رستگارفرد، خالق (1392). «بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان کاشان)». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره دهم، (تابستان).
- بوردیو، پی‌یر (1384). «شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، به کوشش کیان تاج‌بخش، (ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان).
- تاج‌بخش، غلامرضا؛ جوانمرد، کرم‌الله؛ طرفی، علیرضا (1392). «تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر حمیدیه». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 33.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (1383). «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی». فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم، صص 46-31.
- تقی‌لو، فرامرز (1385). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 32، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حشمت، مریم؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ علمی، محمود (1389). «بررسی میزان سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های اجتماعی (منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین) شهر مراغه». مطالعه جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره ششم، صص 43-27.
- خوشفر، غلامرضا؛ اسفندیان، آریتا؛ رحمانی، مریم (1392). «بررسی احساس امنیت فردی و اجتماعی از دیدگاه گردشگران و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: گردشگران منطقه گردشگری ناهار خوران و الگندره گرگان)». مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، شماره ششم، صص 220-181.
- ربانی، رسول؛ افشار کهن، جواد (1383). «شهرنشینی و امنیت: تحقیق در عوامل و شرایط مؤثر بر امنیت در شهرها از دیدگاه شهروندان (مورد مطالعه: شهر جدید بهارستان)». مجله علمی پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد 16، شماره 1، صص 67-43.
- رجبی‌پور، محمود (1382). «درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی». فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره دوم.
- رضویان، محمدمتقی؛ آقایی، پرویز (1393). «بررسی و ارزیابی احساس امنیت اجتماعی در محلات جماران و فاطمی». فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال ششم، شماره بیستم، صص 57-43.

- سهرابزاده، مهران؛ سعادت، موسی؛ عباسی، الهام؛ صمدزاده، حسن (1396). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تبریز». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره 38، دوره دوم تابستان 1396، صص 1-26.
- صفری شالی، رضا (1386). «تأثیر مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی». مجموعه مقالات همایش نظم و دانش، معاونت اجتماعی ناجا.
- عبدالمحمدی، امیر؛ نوابخش، مهرداد؛ حقیقتیان، منصور؛ رضوی، محمد (1395). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: شهروندان 18 سال به بالای شهر تهران)». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره 36، دوره چهارم، زمستان 1395، صص 97-120.
- علی‌خواه، فردین؛ نجیبی ربیعی، مریم. (1386). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری». فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره 22، صص 109-131.
- قرایی، فریبا؛ رادجهانیانی، نفیسه؛ رشیدپور، نازیلا (1389). «بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری (مورد مطالعه: مناطق 2 و 11 تهران)». معماری و شهرسازی آرمان شهر، (بهار و تابستان)، دوره سوم، شماره چهارم، صص 17-32.
- کامران، فریدون؛ عبادتی نظرلو، سمیه (1393). «بررسی اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی دانشجویان زن کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران». فصلنامه پژوهشی اجتماعی، سال سوم، شماره ششم، صص 44-56.
- کلمن، جیمز (1384). «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی اعتماد، دموکراسی و توسعه». به کوشش کیان تاج‌بخش، (ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان)، تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (1377). «پیامدهای مدنیت». (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: نشر مرکز.
- لطفی، صدیقه؛ بردی، رحیم؛ مرادنژاد، آنا؛ ساسان‌پور، محمد (1393). «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مورد مطالعه: کلان‌شهر شیراز)». مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره نوزدهم.
- لطفی، صدیقه؛ ملازاده گنجی، جاوید (1392). «ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت زنان (مورد مطالعه: منطقه سه ساری)». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- محمودی، اسدالله و همکاران (1391). «بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شیراز». چهارمین اجلاس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.



- ملاحسنی، حسین (1381). «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دین‌داری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- موسوی، سید مرتضی (1396). «بیشترین جرائم مازندران چیست؟».
- سایت: www.afabnews/news/455828 4 تیر 1396
- نعیمی، کیومرث؛ پورمحمدی، محمدرضا (1396). «تبیین رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در شهر مرزی مریوان». پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سی و نهم، دوره سوم، (پاییز)، صص 129-152.
- نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق (1391). «حاشیه‌نشینی به‌مثابه آپاندیست شهری (مورد مطالعه: جعفرآباد- کرمانشاه)». برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره دوم، شماره پنجم، صص 81-65.
- نویدنیا، منیژه (1382). «چشم‌انداز پلیس، امنیت و سرمایه اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره مسلسل 44.
- نویدنیا، منیژه (1382). «درآمدی بر امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره مسلسل 19.
- Coleman, J.S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology, PP: s 95- 120.
- Coleman, J.S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology, PP: s 95- 120.
- Coleman, James. (1994). Foundation of Social Theory, Belknap Press Cambridge
- Jacobs, J. (1961). "The Life and Death of Great American Cities" New York, Random house.
- Jacobs, J. (1961). "The Life and Death of Great American Cities" New York, Random house.
- Lindstrom, M and Others (2008). Social capital, anticipated ethnic discrimination and self-reported psychological health: A population- based study, Social Science & Medicine, Vol. 66 No. 1, pp: 1-13.
- Lindstrom, M and Others (2008). Social capital, anticipated ethnic discrimination and self-reported psychological health: A population- based study, Social Science & Medicine, Vol. 66 No. 1, pp: 1-13.
- Newman, O. (1973). Defensible Space: People and Design in the Violent City, London,
- Oscar W. Gabriel (1995). Political Efficiency and Trust, Edited in the Impact of Values, by San W, Van Elin or Scarborough, Oxford, pp357-361.

- Oscar W. Gabriel (1995). Political Efficiency and Trust, Edited in the Impact of Values, by San W, Van Elin or Scarborough, Oxford, pp357-361.
- Wearer, Ole (2000). "Societal Security": [http://www. Ciao net. Org/ book/hall/hall01. html](http://www.Ciao.net.Org/book/hall/hall01.html),2000.
- White, R., & Sutton, A. (1995). Crime prevention, urban space and social exclusion. *Journal of Sociology*, 31(1), 82-99.

Archive of SID